



چراغ واره سفالی با لعاب
سبز، تقریباً سده ۸ میلادی.
بلندا، ۱۷/۳ سانتی متر، قطر
۱۲ سانتی متر. کویت، موزه
ملی کویت، دار الآثار الاسلامیه
(Watson, 2004 Cat.Bb.3)



سیر تحول طراحی چراغ های شیشه ای و چراغ واره های اوایل دوره اسلامی

طاهر رضازاده * دکتر حبیب الله آیت الهی **

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتا جامع علوم انسانی

چکیده

در این مقاله سیر تحول طراحی دو نمونه از پرکاربردترین وسیله های روشنایی - چراغ های شیشه ای و چراغ واره های - اوایل دوره اسلامی در ایران مورد بررسی قرار گرفته و سعی شده هم ارتباط منطقی و هنری موجود بین این دو وسیله شرح داده شود و هم روشی برای مطالعه تاریخ طراحی وسیله های مختلف و شناسایی تغییر و تحول آن ها ارایه گردد.

به طور کلی با وجود تفاوت ساختاری آشکار که میان چراغ های شیشه ای و چراغ واره های (فانوس ها) اوایل دوره اسلامی در ایران دیده می شود، اما ارتباط زیرکانه ای در طراحی این دو وسیله وجود دارد. از این رو می بایست طراحی چراغ های شیشه ای را به عنوان پیرنگی برای چراغ واره ها در نظر گرفت. به عبارت دیگر می توان گفت ایده طراحی چراغ واره ها از چراغ های شیشه ای برگرفته شده است.

واژگان کلیدی

چراغ های شیشه ای، چراغ واره، فانوس، دوره اسلامی، ایران.

Email: Taher_136@yahoo.com

* کارشناسی ارشد پژوهش هنر از دانشکده هنر دانشگاه شاهد

Email: habibb_ayat@yahoo.com

** دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه شاهد

مقدمه

در اوایل دوره اسلامی پس از تثبیت سیاسی و اجتماعی ایران در سده های سوم و چهارم هجری، علاوه بر پی گیری طراحی و تولید سایر روشنائی ها وسیله های دیگری نیز پدیدار شدند. چراغ های شیشه ای و چراغ واره ها در ردیف این وسیله های نوظهور قرار می گیرند.

اگرچه چراغ های شیشه ای و چراغ واره ها دو وسیله کاملاً مجزا از هم هستند اما ارتباط ظریفی میان طراحی این دو وجود دارد. چراغ های شیشه ای در اوایل دوره اسلامی به سادگی، تنها از ظرف (لیوانی شکل) ساخته شده اند که فتیله ای کوچک در میان شان قرار می گرفت. به تدریج ویژگی منحصر به فرد شفافیت ماده شیشه ای در ترکیب با مواد و طرح های دیگری نیز به کار رفت که عمده ترین آن ها، شکل اولیه چراغ واره ها بود (احتمالاً این چراغ واره ها از سفال، شیشه و یا گچ و شیشه ساخته می شدند.

شاید پیرنگ (Sketch) فراموش شده ای از این وسیله ها در دوره ساسانی شکل گرفته باشد. اما بروز چشمگیر آن ها مربوط به اوایل دوره اسلامی است. اساسی ترین کاربری این وسیله های جدید، جابه جا کردن پیه سوزها بود. شکل اولیه آن ها به بیانی ساده عبارت از یک محفظه فراخی بود که درون آن پیه سوز (یا شمعی) قرار می گرفت. طرح این وسیله ها از مکعب های گچی گرفته تا شکل های استوانه ای بلند و محفظه های قلکی شکل را در بر می گیرد. طرح آخری از شناخته شده ترین طرح های چراغ واره های اسلامی است.

با توجه به اهمیت طراحی صورت گرفته در این وسیله ها، هدف این مقاله ترسیم تحولات صورت گرفته در شکل و ساختار چراغ های شیشه ای و چراغ واره ها است. به عبارت دیگر بر آن است تا روند تکامل یافته طراحی در این وسیله ها را تشریح نماید. رویکرد این پژوهش به تاریخ طراحی اشیاء، رویکردی روش شناسانه است و در آن پیشینه طراحی یک وسیله در گذر زمان مورد بررسی قرار گرفته است. این رویکرد تضمین می کند ابزاری را به منظور بحث در باره ضرورت های معین تاریخی برای سبک ها و رسوم طراحی در یک فرهنگ یا در یک جامعه به خصوص فراهم آورد. (Vyas, 2006, 31)

در این جا هدف اساسی و اولیه، آشنایی با فرهنگ طراحی و زبان آن که گاهی همچون زبان های محلی عمل می کند معین شده است. همچنین تاریخ و اتفاقات به وجود آمده در جریان شکل گیری آن به عنوان بستری برای ایجاد یا تحول طراحی، ارتباط مستقیمی با این فرهنگ پیدا می کند.

مسئله این ارتباط یک سویه نیست بلکه تعاملی میان شیوه های طرح پردازی محصولات با جریانات تاریخی وجود دارد. اما آنچه فرهنگ طراحی یک جامعه را تشکیل



تصویر ۱- چراغ شیشه ای ساقه دار از سیراف، اوخر سده ۱۳ یا اوایل سده ۱۴ میلادی، بلند: ۹,۶ سانتی متر (Whitehouse, 1970) (pl. XIIIb)

می دهد مجموعه ای از وسیله های مختلف است که همچون جاده طولانی، هر کدام مسیر جداگانه ای برای طی شدن خواهند داشت. برای همین، آنچه از روش کنونی انتظار



تصویر ۲- چراغ شیشه ای به شکل فنجان از نیشابور، سده ۳ و ۴ هجری. بلند: ۶/۹؛ قطر: ۱۰ سانتی متر. تهران، موزه ملی ایران، موزه اسلامی (ش. ۳۹۴۴)



تصویر ۳- چراغ شیشه ای دمیده آزاد، سده ۳-۵ هجری، موزه آبگینه تهران: موزه آبگینه (ش. ۵۲۹-آ)

کلیدی است؛ یکی «ایجاد» و دیگری «تحول». منظور از ایجاد، آغاز به کارگیری هر کدام از وسیله های جدید بوده و منظور از تحول، تغییراتی است که هر کدام از آن ها در مسیر خود پیموده اند.

چراغ واره - فانوس

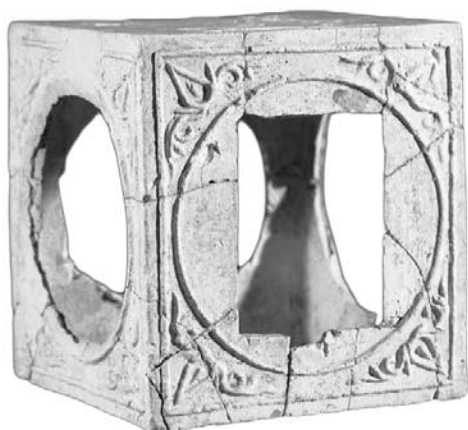
فانوس تعریف گوناگونی دارد. گمان می کنم این کلمه از یونانی فانوس گرفته شده باشد که به معنی شفاف است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۶۹۵۵) پرتو برای این واژه بیگانه معادل فارسی چرونده را برگزیده است. (پرتو، ۱۳۷۷، ۱۲۸۷) چرونده وسیله ای بود که چراغ را درون آن می گذاشتند تا باد- به هنگام جابه جایی- آن را خاموش نکند. (فرهنگ جهانگیری، ۱۳۵۹، ۲-۹۴۱) و (فرهنگ مجمع الفرس، ۱۳۳۸، ۴۰۹). در (مجمع الفرس، ۱۳۳۸، ۴۰۷) همچنین، از دو واژه چراغ بره و چراغ واره نیز به معنی چیزی که « در آن چراغ نهند تا باد چراغ را نکشد» استفاده شده است. محمد حسین خلف تبریزی در برهان قاطع، چراغ بره را متشکل از چراغ به علاوه بره (بردن) دانسته است. اما وی این واژه

می رود جست وجوی کنجکاوانه در زندگی سپری شده یک وسیله خواهد بود که با پی گیری قدم به قدم تحولات صورت گرفته امکان پذیر می گردد. (Vyas, 2006, 32)

ویاس اصطلاحی را به کار می برد که قرار است نقش محوری در این روش بر عهده داشته باشد. وی گام های تحول یک وسیله را با استفاده از واژه رخداد بارز مشخص می سازد. منظور از این اصطلاح بازنمایی یک مقطع مشخص تاریخی است که تحول آشکاری در شکل کلی وسیله را پدید آورده باشد- و نه فقط در جنبه دیداری آن، بلکه در تمامی ویژگی هایی که منجر به ایجاد یک وسیله کامل می گردد. (Vyas, 2006, 32)

این تحولات موارد زیر را در بر می گیرد: تغییر در شکل ظاهری، رنگ و بافت سطح محصول؛ تغییر در عواملی که موجب یکپارچگی ساختاری آن می گردد؛ تغییر در مواد و روش های ساخت، تغییر در روش اعمال یک وسیله و تغییر در رابطه یک وسیله با استفاده کننده. (32, 2006, Vyas)

در این پژوهش، «رخداد بارز» در بر گیرنده دو مفهوم



تصویر ۵- چراغ واره گچی اولیه از تپه وینبارد (نیشابور)، سده ۳ - ۴ هجری، بلندا، ۲۱،۵ سانتی متر؛ پهنا: ۲۰ سانتی متر. تهران: موزه ملی ایران؛ موزه اسلامی (ش. ۳۳۳۱).

تصویر ۴- مکعب گچی با کاربری احتمالی چراغ پایه از سیراف، حوالی ۸۰۰ میلادی، بلندا: ۸،۸ سانتی متر (Whitehouse, 1970) (pl.XId)

با توجه به آنچه گفته شد واژه فارسی چراغ واره را برای این وسیله ها پیشنهاد کرده و به جای فانوس به کار گرفته می شود.

سیر تحول چراغ های شیشه ای اوایل دوره اسلامی

اگرچه مرز دقیقی میان چراغ های اوایل دوره اسلامی و اواخر دوره ساسانی نمی توان ترسیم کرد اما برای نخستین بار در این دوره تاریخی، پدیدار شدن گونه خاصی از چراغ های شیشه ای دیده شده که تا پیش از آن مورد استفاده قرار نمی گرفت.

این نظر می تواند از روی اشیای به دست آمده، مورد تایید قرار گیرد. در میان یافته های بخش G در سیراف، چراغی وجود دارد که از یک پیاله استوانه ای شکل ساخته شده و پایه میله ای خوش طرحی به عنوان دسته به زیر آن متصل شده است. با آن که تاریخ اشیای این منطقه به اواخر سده سیزده و اوایل سده چهارده میلادی می رسد اما وایتهاوس (Whitehouse) عقیده دارد که رواج آن ها به اوایل دوره اسلامی (حدود ۸۰۰ میلادی) باز می گردد. (تصویر شماره ی ۱)

از روی نمونه های مشابه می توان دریافت درون ظرف پیاله ای شکل این چراغ، استوانه توخالی کوچکی طراحی شده که جایگاه فتیله را مشخص می سازد. از آن جا که ارتفاع فتیله از بلندی ظرف کم تر است لزوم به کارگیری ماده شفاف شیشه ای آشکار می شود. شیشه قابلیت آن را دارد که نور فتیله را از دیواره های ظرف به بیرون بازتاب دهد. چگونگی حمل یا نگه داری این چراغ ها، دو شیوه استفاده و به تناسب آن، دو گونه متفاوت را ایجاد کرده است. برخی از آن ها همچون نمونه موجود در بخش اسلامی موزه ملی، شکل یک لیوان دسته دار را باز نشان می دهد که به نظر می رسد روی زمین قرار می گرفته

را مترادف چراغ دان می داند و می گوید آن را «به عربی مشکوه خوانند. (برهان قاطع، ۱۳۷۶، ۶۲۷). با مراجعه به قرآن به راحتی می توان تصویری از مشکات عربی را به دست آورد:

خدا نور آسمان ها و زمین است. مثل نور او چون چراغ دانی است که در آن چراغی باشد، آن چراغ درون آبگینه ای و آن آبگینه چون ستاره ای درخشنده. از روغن پر برکت زیتون که نه خاوری است و نه باختری افروخته باشد. نوری افزون بر نور دیگر. خدا هر کس را که بخواهد بر آن نور راه می نماید و برای مردم مثل ها می آورد زیرا بر هر چیزی آگاه است. (ترجمه آیتی، سوره نور، ۲۵)

با آن که آیتی نیز برای مشکات عربی، از واژه چراغ دان در ترجمه خود بهره گرفته است، اما مقایسه این آیه با بیتی از حکیم انوری که در فرهنگ جهانگیری (۱۳۵۹، ۹۳۰-۹۲۹) آمده، نشان می دهد که وی به درستی چراغ واره- و نه چراغ دان- را جایگزین مشکات عربی می داند: این آبگینه خانه گردون که روز و شب / از شعله های آتش الوان مزین است

بادا چراغ واره فراش جاه تو / تا هیچ در فتیله خورشید روغن است

این بیت ها از انوری آشکارا برداشتی از آیه بالا است. از این رو چراغ واره در فارسی و مشکات در عربی هر دو اشاره به محفظه ای دارند که درون آن چراغی قرار می گرفته است. این محفظه گاهی مشبک بوده و گاهی دیواره های باز آن با شیشه های رنگی پوشانیده شده و در داخل آن چراغ کوچکی جای می گرفته است. بعدها در دوره صفوی این چراغ واره ها متأثر از طراحی چینی از پارچه های موم اندود محصور در بین دو صفحه فلزی ساخته می شدند که شمعی در درون آن جای می گرفت. (گرگانی، ۱۳۷۶، ۵۴).



تصویر ۷- مجموعه چراغ و چراغ وارده سفالی با لعاب تک رنگ، سده ۱۱-۱۲ میلادی، بلندا، ۳۹/۵ سانتی متر؛ قطر پایه، ۱۲ سانتی متر. کویت، موزه طارق رجب (Fehervari, 2000, No.176.) (CER 369 TSR)

تصویر ۶- چراغ وارده سفالی با لعاب سبز غلیظ، سده ۷ - ۸ میلادی، بلندا؛ ۲۸/۳ سانتی متر؛ بیشترین قطر: ۱۸ سانتی متر؛ قطر پایه: ۱۶ سانتی متر. لندن: مجموعه خلیلی (Grube, 1994) (Cat.4)

دیگری که در موزه آبگینه موجود است، کاربری دیگری را معرفی می کنند. (تصویر شماره ۳) استفاده از این گونه چراغ ها در سیراف و سامرا معمول بوده است. (Kroger, 1995, 180)

از آن جا که پایه این چراغ ها میله ای شکل است، نیاز به یک وسیله نگهدارنده اضافی احساس می شود و به نظر می رسد از یک سه پایه فلزی (همچون نمونه موزه آبگینه) برای نگه داری آن ها استفاده شده باشد. یا می توان سطح حفره داری را تصور کرد که این چراغ ها را درون خود جا داده اند. حل مشکل نگه داری چراغ های مورد اشاره، فرضیه عملی تری را در باره کاربری یک مکعب گچی به دست آمده از سیراف، مطرح می کند. (تصویر شماره ۴)

(تصویر شماره ۲). در حقیقت هر نوع لیوانی به شرط تعبیه یک جا فنیله ای کوچک در داخل آن، قابلیت کاربری چراغ را داشته است.

نمونه دیگری از همین شکل ها در موزه متروپولیتن نگه داری می شود. (Kroger, 1995, 233)

این گونه از چراغ ها، ساده، قابل حمل و نقل و ظاهرا ارزان قیمت بوده و در سده نهم میلادی در ناحیه نیشابور رواج داشته اند. (Kroger, 1995, 179-183)

تندیل های مساجد اسلامی در دوره های بعد را می توان تحولی از این چراغ ها دانست با این تفاوت که آن ها به جای قرار گرفتن بر روی زمین، از سقف آویزان می شدند. اما چراغ شیشه ای به دست آمده از سیراف و نمونه



تصویر ۹- چراغواره ی سفالی با لعاب سبز از شرق ایران، احتمالاً از نیشابور، سده ۱۰-۱۱ میلادی. بلندا، ۲۴/۳ سانتی متر، لندن: مجموعه خلیلی. (Grube, 1994, Cat. 134)

تصویر ۸- چراغ واره سفالی با لعاب سبز، حوالی سده ۸ میلادی، بلندا، ۱۷/۳ سانتی متر، قطر، ۱۲ سانتی متر. کویت: موزه ملی کویت، دار الآثار الاسلامیه. (Watson, 2004, Cat. Bb.3)

شده و شمع یا چراغ کوچکی نیز در درون آن جای می گرفته است. (Wilkinson, 1986, 151). بعدها همین شیوه استفاده از چراغ های کوچک در محفظه های بزرگ تر و جابه جا شونده در چراغ واره های بعدی نیز مورد استفاده قرار گرفت. با وجود این فرم مکعبی شکل برای این وسیله ها دوام چندانی نیافت و به زودی از شکل های استوانه ای و مخروطی در طراحی چراغ واره های بعدی استفاده شد.

گروه ۲: چراغ واره های میله ای شکل: در ایران دوره ساسانی شواهدی مبتنی بر استفاده از چراغ واره ها دیده شده است. کاوش های نیشابور نیز تعدادی از آن ها را بیرون کشیده که تماماً بدون لعاب بوده اند. (Fehervari, 2000, 142)

یکی از ابتدایی ترین شکل چراغ واره های دوره اسلامی در تصویر شماره ۶ نشان داده شده است. ویژگی بارز این قبیل چراغ واره ها، تلفیق فضای مدور کوچک طراحی شده برای چراغ، با استوانه بلندی است که بر بالای آن قرار می گیرد. فضای استوانه ای و شکاف دار بالای چراغ احتمالاً به دلیل نیاز به رفع دود شعله، به وجود آمده زیرا به نظر نمی رسد کارایی چندانی در افزایش بهره گیری از نور داشته باشد. روی بدنه این وسیله، شکاف هایی وجود دارد که شاخصه اصلی کاربری آن به عنوان چراغ واره را بازنمایی

این مکعب گچی که اطراف آن با نقوش قالب گیری شده ستاره و نخل، تزئین شده، حفره ای بر سطح بالایی خود دارد که به نظر می رسد از این حفره به عنوان محل قرار گرفتن میله چراغ های شیشه ای استفاده می شده و یا احتمالاً به منظور نگه داری از یک عود سوز طراحی شده باشد.

وایتهاوس (۱۹۷۰) اجزای نگهدارنده گچی دیگری را از بخش B در سیراف به دست آورده است. این پایه های گچی را می بایست به عنوان اولین چراغ پایه های واقعی دانست که به نظر می رسد رواج آن ها به اوایل دوره اسلامی باز می گردد.

سیر تحول چراغ واره های اوایل دوره اسلامی
گروه ۱: چراغ واره های مکعبی شکل: مشابه چراغ پایه های گچی گفته شده در بالا و باز از همین ماده، چراغ واره ای از تپه وینیارد نیشابور به دست آمده که اکنون در موزه اسلامی نگه داری می شود. (تصویر شماره ۵) برخلاف چراغ پایه های گچی، این نمونه، مکعبی تو خالی است و در کناره های دیوار مانند آن حفره های دایره ای شکلی گنجانده شده است. به نظر می رسد غیر از شکاف اصلی و مربعی شکل بالای این چراغ واره، بقیه شکاف های آن در اطراف، به وسیله جداره های شیشه ای رنگ، پوشانده



شده، بلکه فضای فراخ تری نیز برای قرار گیری چراغ پیه سوز و انتشار نور آن، ایجاد شده است. در روی بدنه این وسیله نیز همچون سایر چراغ واره ها، شکاف هایی برای انتشار نور ایجاد شده است.

شناخته شده ترین چراغ واره های اوایل دوره اسلامی دارای شکل های قلکی هستند و شکاف نسبتاً بزرگی در جلوی آن ها برای قراردادن چراغ ایجاد شده است. به نظر می رسد این شکل ها از تحول شکل چراغ واره های پیشین به دست آمده است. گونه های ابتدایی این چراغ واره ها به صورت کاملاً ساده، ساخته شده اما در مراحل بعدی روی بدنه آن ها تزئیناتی به صورت کنده کاری با نقوش هندسی ایجاد شده است. نمونه ای از این چراغ واره ها با لعاب سبز از شرق ایران به دست آمده که در طراحی آن ظرافت خاصی به کار رفته است. (تصویر شماره ۹)

بدنه قلکی شکل این وسیله در بالا به یک دسته حلقه ای متصل گردیده و در پایین بر روی یک پایه کم ارتفاع قرار داده شده است. شکل حلقه ای دسته یادآور چراغ واره های دیگری از نیشابور است که به احتمال زیاد در این دوره، کاربرد وسیعی یافته بودند. (Grube, 1994, 136) آن چه به طراحی پایه در این ظرف ویژگی خاصی بخشیده، پهنای کم آن در مقایسه با بدنه آن می باشد. بدنه از یک کلاه گنبدی شکلی تشکیل شده که بر روی یک استوانه شکاف دار و کم ارتفاع قرار گرفته است.

استوانه مورد اشاره، با لبه بیرون آمده ای که دارد، به شکل بارز از تمام مجموعه، متمایز گردیده و دهانه ظرف را در خود جا داده است. در قسمت بالای آن بر روی سقف گنبدی شکل چراغ واره نیز، تزئیناتی با خطوط دوری کنده کاری شده، به چشم می خورد که با فاصله های ریتم داری از هم ایجاد شده اند. لبه بالای دهانه این وسیله با طرح های زیگزاگی شکل آراسته شده و در هماهنگی کامل با شکل شکاف های موجود در روی بدنه قرار دارند. مشابه همین طرح، دو چراغ واره دیگر در موزه طارق رجب وجود دارد که هر دو با لعاب سبز تک رنگی پوشانده شده اند. (Fehervari, 2000, No.178, CER983TSR; No.177, CER372TSR)

در کنار این طرح، چراغ واره دیگری وجود دارد که به شکل بسیار زیبایی تمامی بدنه آن شکاف دار شده است. (تصویر شماره ۱۰)

روی بدنه این ظرف، خطوط ریتم داری با فاصله ایجاد شده که میان آن ها را دریاچه های مثلثی شکلی پر می کنند. شیوه طراحی بدنه شکاف دار در این وسیله کاملاً از نمونه پیشین متفاوت است و ویژگی اصلی آن، برخورداری از سطح خطی و غیر هموار است. تداوم شکل شکاف ها را نیز به سادگی می توان در بالای دهانه ظرف دید که با دو مثلث خطی آراسته شده است.

چراغ واره های مشابه، پیش تر در قصر ابونصر متعلق

می کند. لعاب سبز غلیظ این وسیله یادآور لعاب کاری های دوره پیش از اسلام، به ویژه اواخر دوره ساسانی است. بیش ترین رابطه با هنر ساسانی در این چراغ واره را به واسطه نقوش طناب مانند زیر دهانه و بالای برش های مثلثی شکل آن می توان مشاهده کرد. با آن که ظاهراً این برش ها را در دوره اسلامی نمی بینیم اما ظروف محفظه دار سفالینه های اوایل دوره اسلامی به موازات آن به کار گرفته شده اند. رواج چراغ های محفظه دار، مربوط به دوره های بعدی است. (Grube, 1994, 15) طرح دیگری از این گونه در موزه طارق رجب نگه داری می شود که هم از نظر شکل و هم از نظر عملکرد، تفاوت آشکاری با سایر طرح های موجود پیدا کرده است. (تصویر شماره ۷). بر خلاف نمونه قبلی، چراغ واره کنونی از میله باریک تری برخوردار گردیده و شکاف های مرسوم را ندارد. این میله استوانه ای بر روی قسمت اصلی چراغ واره امتداد یافته و انحنا جالب توجهی را به وجود آورده است. شکاف های انتشار نور در این طرح تنها بر روی قسمتی ایجاد شده که چراغ را در خود جا داده است.

این وسیله طراحی منحصر به فردی دارد زیرا در آن از ترکیب چراغ و چراغ واره استفاده شده است. آنچه در بالای میله استوانه ای این طرح خود نمایی می کند در حقیقت نوعی چراغ پیه سوز با بدنه باز می باشد که بر بلندای میله، استوار گردیده است. (Fehervari, 2000, 142) زیبایی این طرح با به کارگیری منحنی های کوچک و ریتم دار افزون تر گردیده و در نهایت شکل مدور آن در بالا ظرافت ویژه ای را به مجموعه کار بخشیده است. همچنین باید به پیکره انتزاعی پرنده کوچکی که بر لبه آن نصب گردیده نیز اشاره شود. همان طور که در ادامه اشاره خواهد شد، در وسیله های روشنائی، همچون سایر ظروف مورد استفاده در دوره اسلامی، پیکر پرنده از محبوبیت خاصی برخوردار بوده است. گفته می شود این چراغ به دوره سامانیان تعلق دارد. (Fehervari, 2000, 142)

گروه ۳: چراغ واره های قلکی شکل: یکی دیگر از چراغ واره های اولیه دوره اسلامی که شاید به موازات چراغ واره های ذکر شده تکامل یافته، گونه شناخته شده تری است که می توان از آن به عنوان ریشه طراحی چراغ واره های بعدی یاد کرد. ویژگی آشکار آن ها استفاده از بدنه استوانه ای نسبتاً بزرگی است که با سقف گنبدی شکلی پوشیده شده است. چراغ واره تصویر شماره ۸ نمونه خوبی برای معرفی این نوع از چراغ واره هاست. در این طرح، لبه های بدنه استوانه ای شکل، در بالا اندکی به بیرون امتداد پیدا کرده و با تزئینات کنگره مانندی آراسته شده است. ماهیت هنرمندانه تزئینات و شیوه برش زاویه دار، نشان دهنده برداشتی است که از روی شکل یک وسیله مشابه فلزی انجام گرفته است. (Watson, 2004, 163) در این ظرف نه تنها از دهانه بزرگتر و شاخص تری استفاده

با وجود این در طراحی بعدی، این دسته ها نیز (همان گونه که در تصاویر دیده می شود) تغییراتی به وجود آمده و از نظر زیبایی شناسی شکل ظاهر، جلوه بهتری یافته اند. طرح آن ها از لوله های باریک اما بلند کمّانی شکل، به صورت حلقه ای کوچک گرایش پیدا کرده است. هم زمان، استفاده از دسته حلقه ای در پیه سوزهای سفالی و برنزی نیز در نیشابور رواج یافته بود. علاوه بر آن شیوه اتصال آن ها نیز دستخوش تحول اساسی گردیده و دیگر به راه های ساده اکتفا نشده است و برای رساندن سر چراغ واره به دسته های حلقوی، از شکل های به تدریج کم شوند، استفاده شده است.

به پادشاهی ساسانیان دیده شده است. با این تفاوت که شکل آن ها کشیده تر (یادآور چراغ واره های گروه دوم) و شکاف های شان باریک تر بود. (Wilkinson, n.d, 307) از ویژگی های دیگر این طرح، چگونگی اتصال سر ظرف به دسته حلقه ای آن است که در بدنه با استفاده از یک میانجی و با ارتفاع قابل ملاحظه ای به دسته، متصل شده است. دسته چراغ واره های اولیه طراحی بسیار ساده ای دارند در آن ها از یک شکل کمّانی استفاده شده است. نصب این دسته به راحت ترین صورت، تنها با ایجاد پلی از یک سوی بدنه به سوی دیگر آن، انجام می گرفته که به همین دلیل نیز از اندازه های بسیار بزرگ تری بر خوردار شده اند. (Rosen-Aya- lon, 1974, pl. XXVIII; e, f, g, h)

نتیجه

چراغ های شیشه ای اوایل دوره اسلامی، نخست بنا به شفافیت ماده شیشه ای ایجاد شده بودند. شیشه می توانست نور را از درون ظرفی که بیش تر شبیه به یک پیاله یا لیوان بود عبور دهد. از این رو در درون این ظرف های شیشه ای جا فتیله ای کوچکی قرار داده می شد تا فتیله در درون آن جای گیرد. به منظور راحتی در جا به جایی، استفاده از دسته برای این ظروف بسیار متداول بود. در مواردی طراحی این چراغ ها پیشرفته تر می نماید. این طرح ها کاربری دسته و پایه را ترکیب کرده و از یک ساقه نسبتاً بلند برخوردار شده اند. به تدریج با توجه به اقتضای کلی، طراحی چراغ ها از لیوان های ساده استوانه ای به شکل قیف تغییر کرد. این شکل همانی است که در قندیل های شیشه ای و بعدها مفرغی مساجد دوره اسلامی به ویژه در مصر دیده می شود. از این گذشته به دلیل شفافیت ماده شیشه ای استفاده از آن در سایر وسیله ها نیز متداول شد، مخصوصاً در چراغ واره های اوایل دوره اسلامی که به صورت مکعب ساده ساخته می شدند. در دیواره های باز این چراغ واره های مکعبی صفحه های شیشه ای - گاه رنگی - به کار می رفت که عمده ترین دلیل آن سهولت تابش نور به فضای بیرون بود. بر خلاف چراغ های شیشه ای، در این وسیله ها به جای جافتیله ای از یک پیه سوز کوچک مفرغی یا سفالی استفاده می شده است.

رفته رفته با گسترش دانش و دست یابی به مواد و فنون پیشرفته تر استفاده از شکل های غیر مکعبی در چراغ واره ها متداول شد. این شکل ها از استوانه های بلند سفالی شروع و به طرح های قلکی با بدنه مشبک رسیدند. به همین ترتیب با استفاده از بدنه های مشبک، لزوم بهره گیری از شیشه نیز در این چراغ واره ها از بین رفت، چرا که مشکل عبور نور از درون ظرف به بیرون، دیگر وجود نداشت.

منابع و مآخذ

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین، سید جعفر شهیدی. چاپ دوم از دوره جدید، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.

گرگانی، مهرانه «بزار روشنایی در هنر اسلامی و نور در معماری ایران». میراث فرهنگی، ش. ۱۷: ۱۳۷۶، ۴۹-۵۵.

محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به «برهان»، برهان قاطع، تألیف ۱۰۶۲ هجری قمری | به اهتمام محمد معین، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶.



محمد قاسم بن حاجی محمد کاشانی متخلص به «سروری»، فرهنگ مجمع الفرس، به کوشش محمد دبیر سیاقی، به سرمایه کتابفروشی علی اکبر علمی، تهران، ۱۳۳۸.
میر جمال الدین حسین بن فخر الدین حسن انجو شیرازی، فرهنگ جهانگیری. ویراسته رحیم عقیقی، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه مشهد مشهد، ۱۳۵۹.

Fehervari, Geza (2000) *Ceramics of Islamic World in the Tareq Rajab Museum*. New York: I.B. Tauris & co Ltd.

Grube, Ernest J. (1994); «Cobalt and Lustre», in Julian Raby (ed.) *The Nasser D.Khalili Collection of Islamic Art*, volume IX. London: Nour Foundation.

Kroger, Jens (1995) *Nishapur Glass of the Early Islamic Period*. New York: The Metropolitan Museum of Art.

Rosen-Ayalon, Myriam (1974) «La Poterie Islamique». *Memoires de la Delegation Archeologique en IRAN*, Tomel, Mission de Susiane, Sous la direction de R. Ghirshman, Ville Royal de suse IV, Paris, Librairie Orientaliste Paul geuthner 12, Rue Vavin, vie

Vyas, H.Kumar (2006) «DesignHistory: An Alternative Approach». *Design Issues*. Vo.22, No.4: 27-34.

Watson, Oliver (2004) *Ceramics from Islamic Lands*. London: Thames & Hudson in association With The al- sabah Collection Dar al-Athar al-Islamiyyah, Kuwait National Museum.

Wilkinson, Charles Kyrle (1986) *Nishapur: Some Early Islamic Buildings and Their Decoration*. New York: The Metropolitan Museum of Art.

Wilkinson, Charles k.(n.d.) *Nishapur; Pottery of the Early Islamic Period*. New York: The Metropolitan Museum of Art.

Whitehouse, David (1970) "Excavation at Siraf: Third Interim Report", IRAN, *Journal of the British Institute of Persian Studies*. Volume VIII:1-18

پرتال جامع علوم انسانی